

بررسی همراهی خودشیفتگی با همدلی و سبک‌های رویارویی در کاربران عضو و غیر عضو فیس‌بوک

*محبوبه روشندل‌راد (MA)^۱ - دکتر منصور حکیم جوادی (PhD)^۲ - دکتر مسعود غلامعلی لواسانی (PhD)^۳ - دکتر سمیه شکرگزار (MD)^۴ - سیده زهرا

سیدنوری (PhD Stu)^۵ - زهره آهنگر قربانی (PhD Stu)^۶

*نویسنده مسئول: گروه روانپزشکی بیمارستان شفا، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، ایران

پست الکترونیک: m_r-rad20@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۰۲/۲۵ تاریخ ارسال جهت اصلاح: ۹۷/۱۰/۱۱ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۰۴

چکیده

مقدمه: با توجه به گستردگی استفاده از شبکه‌های مجازی در دانشجویان، عوامل شخصیتی و سبک‌های مقابله می‌تواند در شیوه استفاده از این ابزار تأثیرگذار باشد.

هدف: بررسی همراهی خودشیفتگی با همدلی و سبک‌های رویارویی در کاربران عضو و غیر عضو فیس‌بوک.

مواد و روش‌ها: طرح پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری دربرگیرنده همه دانشجویان دانشگاه گیلان بود که از بین آنها نمونه‌ای به حجم ۳۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شد که به مقیاس‌های خودشیفتگی، همدلی تورنتو و سبک‌های مقابله پاسخ دادند. داده‌ها وارد نرم‌افزار آماری SPSS ویرایش ۲۰ شد و آزمون‌های آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی (آزمون t، ماتریس همبستگی و رگرسیون چندگانه) بکار رفت.

نتایج: میانگین دو گروه از دختران و پسران در مقیاس‌های همدلی ($P=0/084$) و سبک‌های مقابله هیجان‌مدار ($P=0/013$) تفاوت معنی‌دار نداشت ($P>0/01$)؛ اما در مقیاس شخصیت خودشیفته ($P=0/004$) و سبک مقابله مساله‌مدار ($P=0/002$) تفاوت معنی‌داری بین دختران و پسران دیده شد ($P<0/01$). واکاوی همبستگی نشان داد بالاترین میزان همبستگی؛ به ترتیب به متغیرهای مقابله مساله‌مدار و همدلی ($r=0/31$) و پس از آنها به ترتیب خودشیفتگی و عضویت در فیس‌بوک ($r=0/29$)، خودشیفتگی و جنس ($r=0/17$)، سبک مقابله مساله‌مدار و جنس ($r=0/17$)، و همدلی با خودشیفتگی ($r=-0/14$) بازمی‌گردد.

نتیجه‌گیری: دو گروه در مقیاس‌های همدلی و سبک‌های مقابله تفاوت معنی‌داری نداشت؛ اما در مقیاس شخصیت خودشیفته تفاوت، معنی‌دار بود به طوری که افراد با عضویت در فیس‌بوک خودشیفتگی بیشتری در مقایسه با افراد غیر عضو گزارش کردند.

کلید واژه‌ها: خودشیفتگی/همدلی

مجله دانشگاه علوم پزشکی گیلان، دوره ۲۸ شماره ۱ (پایه‌ی ۱۰۹) صفحات: ۱۳-۲۲

مقدمه

از کمتر ۱۰ دقیقه تا بیشتر از ۲ ساعت در فیس‌بوک زمان صرف می‌کنند (۴).

یک گروه که از شبکه‌های اجتماعی بویژه فیس‌بوک استفاده می‌کنند دانشجویان هستند. مطالعات بتازگی دریافتند که بیش از ۹۰ درصد دانشجویان حساب‌های فیس‌بوکی دارند. در حالی که این روش می‌تواند در اصل برای مطالعه دانشجویان استفاده شود، از آن برای ارتباط با سایر دانشجویان و نگاه کردن به عکس‌ها و پروفایل افراد دیگر به کار می‌رود و زمان، بدون خستگی و به تعویق انداختن سپری می‌شود (۵). برپایه یک مطالعه، دانشجویانی که تنها تر هستند از شبکه‌های اجتماعی برای برگرداندن تنهایی ناشی از نبودن روابط استفاده می‌کنند (۶).

اینترنت یکی از رسانه‌های جمعی است که افراد از آن به عنوان دسترسی به اطلاعات و همچنین برای ایجاد و گسترش روابط با دیگران استفاده می‌کنند. شبکه‌های اجتماعی سرویس‌هایی بر مبنای اینترنت است که به افراد سه توانایی بزرگ می‌دهد: نخست توانایی ایجاد پروفایل عمومی یا نیمه‌عمومی، دوم شناسایی فهرستی از کاربران دیگر برای ارتباط با آنها و سوم توانایی دیدن و پیگیری پست‌های دیگر افراد (۱). رایج‌ترین شبکه اجتماعی فیس‌بوک است که حدود ۲/۲ میلیارد کاربر در سطح جهان دارد (۲). سایت‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک روشی است که مردم برای ارتباط با جوامع دیگر از راه اینترنت به کار می‌برند (۳). کاربران، روزانه

۱. گروه روانپزشکی، بیمارستان شفا، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، ایران

۲. گروه روانشناسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

۳. گروه روانشناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۴. مرکز تحقیقات علوم شناختی رفتاری و اعتیاد کاوش، بیمارستان شفا، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، ایران

۵. گروه روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

همکاران(۱۶) نشان داد که یکی از متغیرهای مهمی که ارتباط زیادی با استفاده از فیس‌بوک دارد خودشیفتگی است.

سطوح بالای خودشیفتگی، تعامل اینترنتی اجتماعی و گذاشتن پست درباره خود را بیشتر پیش‌بینی می‌کند(۱۷). همچنین، افراد خودشیفته تمایل به چک پروفایل دیگران دارند و زمان زیادی را در اینترنت می‌گذرانند(۱۸). چه بسا به این دلیل باشد که آنها کنترل بیشتری در شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک دارند و به راحتی می‌توانند اطلاعات دلخواه را نمایانده و اطلاعات دیگر را پنهان کنند.

شخصیت خودشیفته یکی از ویژگی‌های شخصیتی است که ویژگی‌هایی همچون الگوی نافذی از شکوه یا خود بزرگ‌بینی، خودستایی بیش از حد، تمایل به مورد توجه قرار گرفتن و داشتن توان یا کامیابی بی‌کران، نیاز به تحسین و ستودن، محق پنداشتن خود، خود مهم‌پنداری و بهره‌کشی دیگران است. این افراد نه تنها به توجه دیگران نیاز دارند بلکه تعریف و ستایش آنها را هم طلب می‌کنند. به طور کلی، افراد دچار اختلال شخصیت خودشیفته احساس همدلی ندارند و در شناخت گرایش‌ها، تجربه‌های شخصی و احساس دیگران دچار چالش‌ند(۱۹ و ۲۰). نتایج یک مطالعه که به بررسی استفاده از فیس‌بوک در افراد خودشیفته پرداخته است نشان داد که این افراد به‌طور پیاپی درگیر استفاده از فیس‌بوک هستند. براساس این پژوهش این گرایش به این راستینگی اشاره دارد که فیس‌بوک کاربران را تشویق به خودپروری و رفتارهای سطحی و رویه‌ای مانند گذاشتن نگاره و به‌روزرسانی چگونگی‌ها می‌کند. میانت افراد خودشیفته در فیس‌بوک به افزایش رفتارهای خودشیفتگی در کاربران عمومی خواهد انجامید و همچنین این رفتارها به مرور رفتارهای پذیرفته شده خواهند شد(۱۷).

یکی از متغیرهایی که در پژوهش‌های مرتبط با فیس‌بوک و شبکه‌های اجتماعی کمتر بررسی شده همدلی است. همدلی به معنی فهمیدن، درک، تجربه و پاسخ به جایگاه عاطفی و آرمان‌های فردی دیگر است(۲۱) همدلی به ما بار می‌دهد که مدام پیرامونمان را درک کنیم، روابط را شکل می‌دهد و سبب می‌شود زمانی که رخداد ناگواری رخ می‌دهد با دلسوزی یا شفقت برخورد کنیم(۲۲). ارستيو همکاران(۲۳) نشان دادند

بنابراین، می‌توان به مقابله با فشار روانی و استرس به عنوان یکی از اهداف استفاده از فیس‌بوک در بین کاربران اشاره کرد. نکته‌ای که اهمیت ویژه‌ای دارد ویژگی‌های شخصیتی و نحوه مقابله افراد با چالش‌های زندگی در برابر رخداد‌های تنش‌زا و استرس‌های ناشی از آن است. افراد برای مقابله با فشار روانی (که نتیجه‌ای از درک ارتباط بین فرد و محیط است) از سبک‌های مختلفی استفاده می‌کنند. راهبردهای مقابله گردآوری از تلاش‌های شناختی و رفتاری فرد است که در جهت گزارش و گزاره و بازسازی جایگاهی تنش‌زا بکار می‌رود و به کاهش رنج ناشی از آن انجامد. دو راهبرد اصلی مقابله عبارتند از: راهبرد مقابله‌ای هیجان‌مدار که شامل کوشش‌هایی جهت هماهنگی پیامدهای هیجانی رخداد تنش‌زاست و تعادل عاطفی و هیجانی را از راه کنترل هیجان ناشی از موقعیت تنش‌زا حفظ کرده و راهبرد مقابله‌ای مساله‌مدار که شامل اقدام سازنده فرد درباره شرایط تنش‌زاست و تلاش دارد تا منبع تنیدگی را بزدايد یا تغییر دهد(۷).

نتایج پژوهش‌های حاجبی، پیروی و پناغی(۸) و داعی‌پورو بیان‌زاده(۹) نشان داد که دختران دانشجو از سبک‌های هیجان‌مدار بیشتر استفاده می‌کنند و در برخورد با دشواری‌ها نسبت به پسران دانشجو آسیب‌پذیرترند. مطالعات نشان داد که مردم گرایش به دسترسی به رسانه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک دارند زیرا مانند سپری در برابر استرس است(۱۰) برای مثال مطالعه‌ای توسط بلاچنیو و همکاران(۱۱) نشان داد که دانشجویان از فیس‌بوک برای مدیریت استرس استفاده می‌کنند. از سوی دیگر راهبردهای هیجان‌مدار به عنوان راهبردهای ناسازگار در نظر گرفته شده زیرا تنها به افراد اجازه می‌دهد که توجه‌شان را از استرس به‌طور گذرا کژوپ کنند اما در درازمدت این راهبرد می‌تواند سبب شود که افراد استرس بیشتری تجربه کنند(۱۲).

چندین مطالعه در حال بررسی این جستار هستند که عوامل روان‌شناختی به مانند خصیصه‌های شخصیتی چگونه بر استفاده افراد از شبکه‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارد(۱۳). پژوهش‌های مختلف بریلووسکالیا و همکاران(۱۴)؛ داونپورت و همکاران(۱۵)؛ پنکو و

موجود و مدیریت آنها کمک کرده و از این راه نقش مهمی در رفع چالش‌های این فضا و بی‌هراسی اجتماعی ایفا کند.

مواد و روش‌ها

این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است که بر آن است همراهی خودشیفتگی با همدلی و سبک‌های مقابله را در کاربران عضو و غیرعضو فیس‌بوک بررسی کند. در این مطالعه خودشیفتگی، همدلی و سبک‌های مقابله به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده که تأثیر آنها بر متغیر وابسته یعنی کاربر عضو و غیرعضو در فیس‌بوک سنجیده شود. کاربر فیس‌بوک به کسی اطلاق می‌شود که در فضای مجازی فیس‌بوک پروفایل شخصی داشته و از آن راه خود را به دیگران معرفی کرده، اطلاعاتش را با دیگران به اشتراک گذاشته و با آنها ارتباط برقرار می‌کند. کمینه زمانی که برای استفاده از فیس‌بوک در کاربران این مطالعه در نظر گرفته شد نیم ساعت در شبانه‌روز بود.

جامعه آماری این پژوهش تمامی دانشجویان دانشگاه گیلان بودند که از این میان نمونه‌ای به حجم ۳۰۰ نفر (۱۵۰ نفر عضو و ۱۵۰ نفر غیر عضو فیس‌بوک) به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند؛ به این صورت که از دانشکده‌های دانشگاه گیلان، سه دانشکده انسانی، فنی و معماری انتخاب شد، سپس، از کلاس‌های هر دانشکده، به طور تصادفی ۴ کلاس انتخاب و دانشجویانی که تمایل به همکاری داشتند ارزیابی شدند. داده‌ها وارد نرم‌افزار آماری SPSS ویرایش ۲۰ شد. آزمون‌های آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی (آزمون t، ماتریس همبستگی و رگرسیون چندگانه) بکار رفت. معیارهای ورود به پژوهش، دانشجو بودن، دامنه سنی ۱۸ تا ۳۰ ساله و دسترسی به اینترنت و معیار بیرونرفت از مطالعه نداشتن تمایل دانشجویان به همکاری یا تکمیل ناقص پرسشنامه‌ها و همچنین، دسترسی نداشتن به اینترنت بود.

برای پیش‌روگیری اخلاق در پژوهش هدف مطالعه برای شرکت‌کنندگان باز نمود و پژوهش با رضایت افراد نمونه انجام شد. همچنین، به شرکت‌کنندگان یادآوری شد که اطلاعات پرسشنامه محرمانه باقی خواهد ماند.

افرادی که از فیس‌بوک استفاده می‌کنند نمره‌های بالاتری در همدلی و نیز نمرات پایینی در مقیاس ارزش خود دارند. نتایج مطالعه وسن ووالکنبورگ (۲۴) نیز نشان داد که استفاده از شبکه‌های اجتماعی با افزایش در همدلی شناختی و عاطفی در طول زمان ارتباط دارد. به‌طور ویژه استفاده از رسانه‌های اجتماعی هم توانایی آنها برای درک (همدلی شناختی) و هم به اشتراک‌گذاری احساس با همسالان خود (همدلی عاطفی) را بهبود می‌بخشد. در این راستا کلینز (۲۵) نشان داد ارتباطی مثبت بین گفتگو در فیس‌بوک و ارتباط همدلانه وجود دارد. نتایج مطالعه چن (۲۶) نیز نشان داد که استفاده از فیس‌بوک بر مهارت اجتماعی همدلانه و خوشنودی از زندگی تأثیر مثبت می‌گذارد.

اما برخی پژوهش‌ها نیز در این رابطه به اهمیت عوامل شخصیتی پرداخته‌اند و براین باورند که افراد اجتماعی و برون‌گرا، عموماً همدلی بیشتری دارند. برای مثال مطالعات نشان داد افرادی که از فیس‌بوک استفاده می‌کنند عموماً افراد اجتماعی و برون‌گرا بوده و فیس‌بوک را ابزاری برای ارتباط اجتماعی بیشتر می‌دانند (۲۷-۲۹).

بیشتر کاربران از شبکه‌های اجتماعی با هدف طراحی و ایجاد فضای شخصی بهره می‌برند تا بتوانند در آن اطلاعات خصوصی و گاهی خارج از کنترل خانواده را وارد کرده و از آن برای تشکیل روابط جدید استفاده کنند. فیس‌بوک این فرامون را فراهم نموده و چون شنوندگانی از گروه‌های مختلف مردمی مانند دانشجویان دارد، می‌تواند به طور بالقوه نقش مهمی در شکل‌گیری و گسترش فرهنگ هر جامعه ایفا کند. با توجه به دگرگونی فناوری در عرصه‌ی رسانه‌های جدید و گرایش مردم و بویژه جوانان به این شبکه‌ها و کاربرد آن در زندگی روزانه، و با آگاهی از تأثیر متغیرهای فردی مثل خصیصه‌های شخصیتی، نحوه‌ی شکل‌گیری روابط و درک شرایط و همچنین نحوه‌ی مقابله با فشار روانی، این مطالعه بر آن است رابطه خودشیفتگی و همدلی و سبک‌های مقابله در کاربران عضو و غیرعضو فیس‌بوک را بررسی کند. با این امید که بررسی شرایط و تفاوت‌های فردی کاربران در چنین مطالعاتی به برنامه‌ریزی مناسب در جهت زدودن مشکلات

ابزارهای مطالعه شامل: ۱- پرسشنامه شخصیت خودشیفته (NPI-40): این مقیاس که توسط راسکین و تری (۱۹۸۸) طراحی شده ۴۰ گویه و هفت خرده مقیاس اقتدار، خودنمایی، برتری‌جویی، بهره‌کشی، محقق بودن، خودبستگی و خودبینی دارد. در هر گویه این پرسشنامه، یک جفت عبارت ارائه می‌شود و از پاسخ‌دهنده خواسته می‌شود، گزاره‌ای که بیشترین هم‌خوانی را با وضعیت وی دارد، انتخاب کند. گویه‌ها به صورت صفر و یک نمره‌گذاری می‌شوند. نمره صفر نشان‌دهنده نداشتن نشانه و نمره یک وجود نشانه خودشیفتگی است؛ بنابراین، کمترین و بیشترین نمره بدست آمده از این پرسشنامه به ترتیب ۰ و ۴۰ خواهد بود که نمره‌های بالاتر نشان‌دهنده خودشیفتگی بیشتر است. میانگین نمره برای جامعه عمومی ۱۲ تا ۱۵ و برای افراد مشهور ۱۷ تا ۱۸ است. نمرات بالاتر از ۲۰، خودشیفتگی شخصیت فرد را نشان می‌دهد (۳۰). زینی حسونند، جوانمرد و گودرزی (۳۱) ضریب اعتبار بازآزمایی، ضریب همبستگی در تعیین اعتبار تنصیفی و ضریب آلفای کرونباخ در سنجش همسانی درونی را به ترتیب ۰/۷۲، ۰/۷۵، ۰/۶۵ برای کل ابزار بدست آورده‌اند. قریشی‌راد (۳۲) ضریب پایایی همسانی درونی و بازآزمایی این پرسشنامه را به ترتیب ۰/۸۱ و ۰/۸۲ بیان کرد.

در این پژوهش برای بررسی همسانی درونی مقیاس شخصیت خودشیفته از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و ضریب ۰/۷۵ برای ۴۰ ماده و تعداد ۳۰۰ نفر آزمودنی بدست آمد. همچنین، برای ۷ خرده مقیاس شخصیت خودشیفته با عنوان‌های اقتدار، خودنمایی، برتری‌جویی، بهره‌کشی، محقق بودن، خودبستگی و خودبینی به ترتیب ضریب‌های ۰/۶۳، ۰/۵۵، ۰/۴۸، ۰/۲۴، ۰/۴۰، ۰/۴۶، و ۰/۳۹ به دست آمد. همان‌طور که دیده می‌شود ضرایب خرده مقیاس‌ها بسیار کمتر از نمره کل مقیاس است و به نظر می‌رسد باید بر ضریب نمره کل مقیاس پافشاری کرد.

۲- پرسشنامه همدلی تورنتو: این پرسشنامه که به وسیله اسپرنگو و همکاران، (۲۰۰۹) طراحی شد، پرسشنامه‌ای با ۱۶ آیتم است، ۸ آیتم آن به‌طور مثبت و ۸ آیتم آن به‌طور منفی در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای (صفر= هرگز و ۴= همیشه)

نمره‌گذاری شده است و برای اندازه‌گیری مؤلفه عاطفی همدلی طراحی شده است. این مقیاس در برگیرنده دامنه نمره ۰ تا ۶۴ و نمرات بالا نشان‌دهنده سطح بالای همدلی عاطفی است (۳۳-۳۴). این آزمون از ثبات درونی خوب، پایایی بازآزمایی بالا و اعتبار همگرایی خوبی برخوردار است (۳۵). اسپرنگ و همکاران (۳۴) آلفای کرونباخ این پرسشنامه را ۰/۸۵ گزارش کردند و همسانی درونی ۸۷ و اعتبار بازآزمایی ۰/۸۱ را بدست آوردند. برای بررسی همسانی درونی مقیاس همدلی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و ضریب ۰/۷۴ برای ۱۶ ماده و تعداد ۳۰۰ نفر آزمودنی حاصل شد.

۳- پرسشنامه رویارویی با موقعیت‌های استرس‌زا: اندلر و پارکر (۱۹۹۰) این پرسشنامه را با هدف ارزیابی انواع سبک‌های مقابله‌ای افراد در موقعیت‌های استرس‌زا به سه صورت سبک‌های مقابله‌ای مساله‌مدار، هیجان‌مدار و اجتنابی طراحی کردند. این آزمون شامل ۴۸ پرسش است که هرکدام ۱۶ سؤالی بوده و به یکی از ابعاد مقابله مربوط است و پاسخ به هر سؤال براساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از هرگز (۱) تا خیلی زیاد (۵) مشخص می‌شود. گفتنی است که سبک غالب هر فرد با توجه به نمره وی در هر یک از ابعاد سه‌گانه سبک‌های مقابله تعیین می‌شود (۳۶). برپایه نتایج پژوهش شکری و همکاران، (۳۷) ضرایب آلفای کرونباخ و ضرایب همبستگی حاصل از آزمون بازآزمون زیرمقیاس‌ها این پرسشنامه اعتبار بالایی دارد. ضرایب همبستگی بین زیرمقیاس‌های پرسشنامه مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا و صفات شخصیتی نشان داد که این پرسشنامه روایی همگرا دارد. قریشی‌راد (۳۸) ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس را ۰/۸۳ و برای خرده مقیاس‌های مساله‌مدار، هیجان‌مدار، اجتنابی، آشفتگی و روی آوردن به اجتماع به ترتیب، ۰/۸۶، ۰/۸۱، ۰/۷۹، ۰/۶۸ و ۰/۶۹ گزارش کرد.

برای بررسی همسانی درونی مقیاس مقابله با استرس و با توجه به دو خرده مقیاس مقابله مساله‌مدار و مقابله هیجان‌مدار از ضریب آلفای کرونباخ با جداسازی دو مؤلفه استفاده شد. ضریب آلفا برای ۱۱ ماده مقابله مساله‌مدار برابر ۰/۷۹ و برای ۸ ماده مقابله هیجان‌مدار ۰/۴۳ حاصل شد.

نتایج

ساله با میانگین $21/8$ و انحراف معیار $2/5$ بود. جدول ۲ نشان می‌دهد که میانگین‌های دو گروه از افرادی که در فیس‌بوک عضو هستند یا عضو نیستند در مقیاس‌های همدلی و سبک‌های مقابله تفاوت معنی‌داری ندارد اما در مقیاس شخصیت خودشیفته تفاوت معنی‌داری ($P < 0/001$) بین افراد عضو و غیرعضو دیده می‌شود؛ به بیان دیگر افراد با عضویت در فیس‌بوک خودشیفتگی بیشتری در مقایسه با افراد غیرعضو (میانگین $17/80$ در برابر میانگین $14/47$) دارند

در جدول شماره ۱ میانگین و انحراف معیار و حداقل و حداکثر نمره متغیرهای پژوهش برای ۳۰۰ نفر از افراد آمده‌است برای مقایسه دو گروه از افراد که عضو فیس‌بوک هستند و نیستند و همچنین، برای مقایسه دختران و پسران از آزمون‌های t برای دو نمونه مستقل استفاده شد که نتایج آن در جداول ۲ و ۳ نمایانده شده‌است. گفتنی است که تعداد دختران ۱۵۴ نفر، پسران ۱۴۶ نفر، افراد عضو در فیس‌بوک ۱۴۹ نفر و افراد غیرعضو ۱۵۱ نفر بود. دامنه سنی افراد نمونه ۱۸ تا ۳۰

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش برای کل افراد نمونه

متغیرها	کمترین نمره	بیشترین نمره	میانگین	انحراف معیار
خودشیفتگی	۴	۳۶	۱۶/۱۳	۵/۶۳
همدلی	۲۱	۵۶	۳۴/۶۶	۶/۱۳
مسئله مدار	۶	۳۳	۱۹/۰۵	۵/۰۹
هیجان مدار	۳	۲۱	۹/۳۳	۳/۱۹

جدول ۲. مقایسه میانگین‌های افراد با عضویت و عدم عضویت در فیس‌بوک در ۴ متغیر پژوهش بر اساس آزمون t مستقل

متغیرها/شاخص‌ها	عضویت Sd M	عدم عضویت Sd M	t	df	Sig
همدلی	۵/۹۱	۳۴/۷۴	۰/۲۲	۲۹۸	۰/۸۲۴
خودشیفتگی	۵/۶۹	۱۴/۴۷	۵/۳۴	۲۹۸	۰/۰۰۱
مقابله مسئله مدار	۵/۴۲	۱۸/۷۲	۱/۱۰	۲۹۸	۰/۲۷۲
مقابله هیجان مدار	۳/۲۸	۹/۰۷	۱/۴۴	۲۹۸	۰/۱۵۱

جدول ۳. مقایسه میانگین‌های دختران و پسران در ۴ متغیر پژوهش بر اساس آزمون‌های t مستقل

متغیرها/شاخص‌ها	دختر Sd M	پسر Sd M	t	df	Sig
همدلی	۵/۷۴	۳۴/۸۶	۰/۵۴	۲۹۸	۰/۵۸۴
خودشیفتگی	۵/۶۲	۱۷/۰۹	۲/۹۲	۲۹۸	۰/۰۰۴
مقابله مسئله مدار	۴/۶۶	۱۹/۹۷	۳/۱۲	۲۹۸	۰/۰۰۲
مقابله هیجان مدار	۳/۲۶	۹/۲۱	۰/۶۵	۲۹۸	۰/۵۱۳

برابر میانگین $15/21$) دارند. همچنین، پسران سبک مقابله مساله‌مدار بیشتری را در مقایسه با دختران (میانگین $19/97$ در برابر میانگین $18/16$) نشان می‌دهند. برای بررسی روابط دوبه‌دوی متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴ آمده است.

جدول ۳ نشان می‌دهد که میانگین‌های دو گروه از دختران و پسران در مقیاس‌های همدلی و سبک‌های مقابله هیجان‌مدار تفاوت معنی‌داری ندارد اما در مقیاس شخصیت خودشیفته و سبک مقابله مساله‌مدار تفاوت معنی‌داری ($P < 0/001$) بین دختران و پسران دیده می‌شود؛ به بیان دیگر، پسران خودشیفتگی بیشتری در مقایسه با دختران (میانگین $17/09$ در

جدول ۴. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

شماره	متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱	سن	۱						
۲	جنسیت	۰/۱۳*	۱					
۳	عضوفیس بوک	۰/۰۰۳	۰/۱۵**	۱				
۴	خودشیفتگی	۰/۱۲*	۰/۱۷**	۰/۲۹**	۱			
۵	همدلی	۰/۱۰	۰/۰۳	-۰/۰۱	-۰/۱۴**	۱		
۶	مسئله مدار	۰/۰۷	۰/۱۷**	۰/۰۶	۰/۱۰	۰/۳۱**	۱	
۷	هیجان مدار	-۰/۰۰۲	-۰/۰۴	۰/۰۸	۰/۰۰۹	۰/۰۳	۰/۱۲*	۱

* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

همدلی و سه متغیر جمعیت شناختی یعنی نوع عضویت در فیس‌بوک، جنس و سن از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام‌به‌گام بهره گرفته شد که نتایج آن در جدول بعدی آمده است. گفتنی است برای تحلیل دو متغیر اسمی نوع عضویت در فیس‌بوک و جنسیت از روش کدگذاری تصنعی استفاده شد.

با توجه به جدول شماره ۴، بالاترین میزان همبستگی در متغیرها؛ به متغیرهای مقابله مساله‌مدار و همدلی ($r=0.31$) باز می‌گردد. پس از آنها به ترتیب خودشیفتگی و عضو بودن در فیس‌بوک ($r=0.29$)، خودشیفتگی و جنس ($r=0.17$)، مساله‌مدار و جنسیت ($r=0.17$) و همدلی با خودشیفتگی ($r=-0.14$) بالاترین میزان همبستگی را نشان می‌دهند. در ادامه برای پیش‌بینی تغییر متغیر ملاک یا خودشیفتگی از راه متغیرهای پیش‌بین یعنی دو خرده مقیاس سبک‌های مقابله،

جدول ۵. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه با روش گام‌به‌گام خودشیفتگی

متغیر پیش‌بین	R	R ²	ΔR^2	SE	df	F	b	B	t
عضو فیس‌بوک	۰/۲۹	۰/۰۸	۰/۰۸	۵/۳۹	۱،۲۹۸	۲۸/۵۳**	۲/۹۹	۰/۲۶**	۴/۸۸
همدلی	۰/۳۲	۰/۱۰	۰/۱۰	۵/۳۵	۲،۲۹۷	۱۷/۵۴**	-۰/۱۴	-۰/۱۶**	۲/۸۶
مسئله مدار	۰/۳۵	۰/۱۲	۰/۱۱	۵/۳۰	۳،۲۹۶	۱۳/۷۶**	۰/۱۳	۰/۱۱*	۲/۰۶
سن	۰/۳۵	۰/۱۲	۰/۱۱	۵/۳۰	۴،۲۹۵	۱۱/۴۴**	-۰/۲۷	-۰/۱۲*	۲/۳۰
جنسیت	۰/۳۸	۰/۱۵	۰/۱۴	۵/۲۴	۵،۲۹۴	۱۰/۳۲**	۱/۴۲	۰/۱۳*	۲/۲۷

* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش باهدف بررسی رابطه خودشیفتگی با همدلی و سبک‌های مقابله در کاربران عضو و غیرعضو فیس‌بوک اجرا شد. نتایج پژوهش نشان داد که بین دو گروه (کاربران فیس‌بوک و غیرکاربران) در مقیاس‌های همدلی و سبک‌های مقابله تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. پژوهش‌های خارجی مانند ارستی و همکاران (۲۳)، و سنووالکنبورگ (۲۴)، کلینز (۲۵) و چن (۲۶) نشان داد که کاربران فیس‌بوک نسبت به کاربران غیرعضو همدلی بیشتری دارند. شاید یکی از دلایل تفاوت در نتیجه پژوهش، تفاوت‌های فرهنگی باشد با این رویکرد که

داده‌های جدول ۵ بازگوینده آن است که با ۵ پیش‌بین می‌توان ۱۵ درصد تغییر را پیش‌بینی کرد. در این جدول و در هر گام با ورود پیش‌بین جدید نمو واریانس ($R^2\Delta$) محاسبه شده است. ملاحظه می‌شود که در گام اول مؤلفه عضویت یا عدم‌عضویت در فیس‌بوک به‌تنهایی وارد می‌شود و حدود ۸ درصد تغییرات را به خود اختصاص می‌دهد. ورود متغیرهای همدلی و سبک مقابله مساله‌مدار در گام‌های بعد نزدیک ۰/۰۴ بر نمو واریانس و در گام‌های ۴ و ۵ متغیرهای سن و جنسیت حدود ۰/۰۳ می‌افزایند.

پژوهش مشابهی در این زمینه در ایران صورت نگرفته است. گرچه کاربران فیس‌بوک با به اشتراک گذاشتن احساس خود در شرایط مختلف، همدلی بیشتری با سایرین نشان می‌دهند، که بازگوکننده ارتباط این دو متغیر (همدلی و عضویت در فیس‌بوک) است، ولی عضویت در فیس‌بوک ملاک مناسبی برای سنجش میزان همدلی غیرکاربران نبوده و لزوماً بیانگر میزان پایین همدلی آنان نیست.

افزون بر این، پژوهش‌ها همواره به ویژگی‌های شخصیتی کاربران پرداخته‌اند. برخی پژوهش‌ها مانند با چرچ و همکاران (۲۷) و پفیفر و همکاران (۲۸) نشان دادند که افراد اجتماعی و برون‌گرا همدلی بیشتری دارند. به راستی می‌توان گفت که افراد اجتماعی و با گرایش‌های شخصیتی ویژه و به دنبال تعامل اجتماعی بیشتر، به فیس‌بوک گرایش می‌یابند. نتایج تحقیق محمدپور، هاشمی نصرآباد و کلانتری (۲۹) نشان داد که عامل‌های شخصیتی برون‌گرایی، وظیفه‌شناسی و گشودگی برپایه آزمون به ترتیب نخستینگی در تمایز کاربران شبکه‌های اجتماعی مجازی از غیرکاربر نقش معنی‌دار دارند. افراد برون‌گرا اجتماعی بوده و تمایل بیشتری به برقراری روابط خودمانی با دیگران دارند. از سویی افراد با سطوح بالای گشودگی به تجربه در مورد دنیای درونی و بیرونی کنج‌کاو هستند و زندگی آنها سرشار از تجربه است؛ پس، استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی راهکار جدیدی برای ارتباط با دیگران به شمار می‌رود. براین اساس محیط بدون ساختار این شبکه‌ها سبب می‌شود که افراد با ویژگی وظیفه‌شناسی پایین به دلیل کنترل نشدن تکانه‌ها از آنها بیشتر استفاده کنند. همدلی وابسته به درک احساس برهمکنش و دادن پاسخ هیجانی مناسب است.

از سوی دیگر، گزینش سبکی مقابله‌ای در رویارویی با استرس، دست آورد تلاش روان‌شناختی و رفتار فردی است، بنابراین، مؤلفه‌های شخصیتی و یادگیری محیطی بیشترین تأثیر را در انتخاب یکی از سبک‌های مقابله خواهد داشت اما در مقیاس شخصیت خودشیفته تفاوت معنی‌داری دیده شد؛ به عبارت دیگر، در کاربران فیس‌بوک خودشیفتگی بیشتری در مقایسه با افراد غیرکاربر گزارش شد. این نتایج همسو با نتایج مطالعات برایلوسکایا و بیرهوف (۱۴)، داونپورت و

همکاران (۱۵)، پنک و همکاران (۱۶) و همچنین تریسی رایان و سوفیا زونوس است که در آن اشاره شده کاربران فیس‌بوک نسبت به غیرکاربران گرایش بیشتری به برون‌گرایی و خودشیفتگی دارند (۱۳) به نظر می‌رسد عضویت در فیس‌بوک به نیاز این افراد به شناساندن و ستایش دیگران و خودنمایی پاسخ داده و با ایجاد توان و موفقیت دروغین، به خودپرووری و نیروبخشی رفتارهای سطحی و ظاهری آنها می‌انجامد.

از طرف دیگر افراد غیرکاربر، از نظر حس آگاهی نیرومندتر و همچنین، کم‌روتر بوده و گوشه‌گیری اجتماعی بیشتری دارند. در حالی که کاربران عضو فیس‌بوک گرایش به خود افشایی بیشتر و رهبری نسبت به غیرکاربران دارند. به راستی به نظر می‌رسد فیس‌بوک به نیاز افراد خودشیفته که درگیر خودبرتربینی هستند پاداش می‌دهد (۱۳). همان‌طور که مطرح شد دو بعد بزرگ‌منشی و آسیب‌پذیری از ابعاد آشکار شخصیت خودشیفته است. افراد خودشیفته حس سزاوار بودن داشته و نیاز به توجه دیگران دارند و همچنین شناساندن و ستایش آنها را هم می‌خواهند. خودشیفتگی آسیب‌پذیر، بعد پنهانی شخصیت خودشیفته است که با حساسیت بیش از حد به خرده‌گیری و کنار زدن از تعامل اجتماعی همراه است. این افراد بی‌اندازه خودمحور بوده و نسبت به اندیشه و علایق دیگران احساس همدلی ندارند. و نیز با توجه به خصیصه هیجانی شخصیت خود معمولاً در برخورد با مشکلات از مکانیسم دفاعی ناپخته و سبک مقابله هیجان‌مداری استفاده می‌کنند (۳۹).

انکار موقعیت استرس‌زا و برگرداندن آن با رفتارهای نمایشی و بزرگ‌منشانه‌ای همچون آپدیت کردن نگاره‌ها، فرستادن پست‌های مختلف و ... در فیس‌بوک برای کسب توجه و تحسین و تمجید دیگران راهبرد انتخابی این افراد برای حفظ تعادل هیجانی‌شان است. از این راه آنان توانایی و موفقیت‌های خود را بالاتر و بیشتر از آنچه هست برآورد کرده و می‌خواهند این برتری را به همگان بشناسانند. در حالی که پشت این رویه پر سر و صدا، خودباوری شکننده وجود دارد. با توجه به یافته‌ها، خودشیفتگی بیشتری در پسران در مقایسه با دختران گزارش شد که همسو با مطالعه کرینگ و همکاران است که اظهار داشتند در شیوع شناسی در جستار اختلال

با توجه به نتایج می‌توان دریافت که افراد خودشیفته به دلیل داشتن دیدگاهی شکوهمند در مورد خود و توانایی‌هایشان و نیاز به توجه مدام و ستایش بیش از اندازه، گرایش بیشتری به استفاده از فضاهای مجازی چون فیس‌بوک داشته و در درک احساس دوسویه و دادن پاسخ هیجانی مناسب به دیگران ناتوان‌تر هستند بنابراین، همدلی کمتری نیز دارند. همچنین، در مواجهه با شرایط استرس‌زا بیشتر از سبک‌های مقابله‌ای هیجانی مدار استفاده می‌کنند.

از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان پشت‌گرمی صرف بر اطلاعات خودسنجی و محدود بودن جامعه آماری به دانشجویان اشاره کرد. لذا، استفاده از مقیاس‌های دیگر و پژوهش‌های بیشتر پیشنهاد می‌شود. همچنین، پیشنهاد می‌شود به متغیرهای دیگر در مقایسه با دو گروه از دانشجویان توجه شده و مورد پژوهش قرار گیرد تا زوایا و سهم عوامل مختلف روشن شود.

نویسندگان اعلام می‌دارند که هیچ‌گونه تضاد منافی ندارند.

شخصیت در جنسیت‌های مختلف گمانه این که مردان خودشیفته تشخیص داده شوند، بیشتر است (۳۹). همچنین، پسران سبک مقابله مساله‌مدار بیشتری در مقایسه با دختران نشان دادند. این نتایج نیز همسو با مطالعات پژوهش حاجبی و همکاران نیز نشان داده شد. دختران دانشجو از سبک‌های هیجان‌مدار بیشتر استفاده می‌کنند و در برخورد با مشکلات نسبت به پسران دانشجو آسیب‌پذیرترند. حاجبی، پیروی و پناغی (۸) در سال‌های پیش داعی‌پور و بیان‌زاده نیز در طی مطالعه‌ای اظهار داشتند که سبک مقابله‌ای ناکارآمد و هیجانی در دختران بیش از پسران است (۹). این نتیجه را می‌توان به توانایی رده‌بندی مغز مردانه نسبت داد به بیان دیگر مردان در برخورد با مسائل بر مبنای استدلال استوار شده بر گواه عمل می‌کنند ولی زنان بیشتر در وجوه عاطفی خود یعنی توانایی درک دیدگاه‌های دیگران و همدلی نیرومندتر هستند، هر چند که تفاوت فرهنگی در استفاده از سبک‌های مقابله‌ای را نمی‌توان نادیده گرفت.

منابع

1. Ellison NB. Social network sites: Definition, history, and scholarship. *JComputMediatCommun* 2007;13(1):210-30.
2. The Statistics Portal. Number of monthly active Facebook users worldwide as of 4th quarter 2017 (in millions) [Internet]. 2018; Available from: <https://www.statista.com/statistics/264810/number-of-monthly-active-facebook-users-worldwide/>.
3. Bonds-Raacke J, Raacke J. Myspace and Facebook: Identifying dimensions of uses and gratifications for friend networking sites. *Individual Differences Research* 2010; 8(1): 27-33.
4. Raacke J, Bonds-Raacke J. Myspace and Facebook: Applying the uses and gratifications theory to exploring friend-networking sites. *Cyberpsychol Behav* 2008;11(2):169-74.
5. Pempek TA, Yermolayeva YA, Calvert SL. College students' social networking experiences on Facebook. *J Appl Dev Psychol* 2009;30(3):227-38.
6. Skues JL, Williams B, Wise L. The effects of personality traits, self-esteem, loneliness, and narcissism on Facebook use among university students. *Computers in Human Behavior* 2012;28(6):2414-9.
7. Ghazanfari F, Kadampoor A. The relationship between mental health and coping strategies in citizenship of Khoramabad city. *Journal of Fundamentals of Mental Health* 2008;10(37):47-54. [Text in Persian]
8. Hajebe A, Peyravi h, Panaghi L. Examining coping practices and its relation with mental health in junior college of university of Tehran (2006-2007). Third national conference of mental health of students. Tehran; University of Science and Technology, 2007: 52-57. [Text in Persian]
9. Daeipoor P. Coping strategies among adolescents in Tehran. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology* 2000; 5(4): 17-27. [Text in Persian]
10. Sriwilai K, Charoensukmongkol P. Face it, don't Facebook it: impacts of social media addiction on mindfulness, coping strategies and the consequence on emotional exhaustion. *Stress Health* 2016;32(4):427-34.
11. Błachnio A, Przepiorka A, Czumak SJ. Type D personality, stress coping strategies and self-efficacy as predictors of Facebook intrusion. *Psychiatry Res* 2017;253:33-7.
12. Chang Y. The relationship between maladaptive perfectionism with burnout: Testing mediating effect of emotion-focused coping. *Personality and Individual Differences* 2012;53(5):635-9.
13. Ryan T, Xenos S. Who uses Facebook? An investigation into the relationship between the Big Five, shyness, narcissism, loneliness, and Facebook usage. *Computers in Human Behavior* 2011;27(5):1658-64.
14. Brailovskaia J, Bierhoff H-W. Cross-cultural narcissism on Facebook: Relationship between self-presentation, social interaction and the open and covert narcissism on a social networking site in Germany and Russia. *Computers in Human Behavior* 2016;55:251-7.

15. Davenport SW, Bergman SM, Bergman JZ, Fearington ME. Twitter versus Facebook: Exploring the role of narcissism in the motives and usage of different social media platforms. *Computers in Human Behavior* 2014;3۱۲-۲۰۲.
16. Panek ET, Nardis Y, Konrath S. Mirror or Megaphone?: How relationships between narcissism and social networking site use differ on Facebook and Twitter. *Computers in Human Behavior* 2013;29(5):2004-12.
17. Buffardi LE, Campbell WK. Narcissism and social networking web sites. *Pers Soc Psychol Bull* 2008;34(10):1303-14.
18. Mehdizadeh S. Self-presentation 2.0: Narcissism and self-esteem on Facebook. *Cyberpsychol Behav Soc Netw* 2010;13(4):357-64.
19. American Psychiatric Association. Diagnostic and statistical manual of mental disorders. 5th edn. Washington, DC; American Psychiatric Association; 2013.
20. Millon T, Everly G. Personality and disorders: A biosocial learning approach. Mohammad Meyghoony D. Tehran; Hor, 2012. [Text in Persian]
21. Barker R L. The social work dictionary. Washington DC; NASW Press, 2008: 141.
22. Bonnette R. Rethinking technology's impact on empathy. Loyola University Chicago, School of Law; 2014. Available from: <https://www.luc.edu/media/lucedu/law/centers/childlaw/childed/pdfs/2014studentpapers/Bonnette.pdf>
23. Errasti J, Amigo I, Villadangos M. Emotional Uses of Facebook and Twitter: Its Relation With Empathy, Narcissism, and Self-Esteem in Adolescence. *Psychol Rep* 2017;120(6):997-1018.
24. Vossen HG, Valkenburg PM. Do social media foster or curtail adolescents' empathy? A longitudinal study. *Computers in Human Behavior* 2016;63:118-24.
25. Collins FM. The relationship between social media and empathy [Master of Science]. College of graduate studies of Georgia southern university Statesboro, Georgia; 2014.
26. Chan TH. Facebook and its effects on users' empathic social skills and life satisfaction: a double-edged sword effect. *Cyberpsychol Behav Soc Netw*. 2014;17(5):276-80.
27. Bachrach Y, Kosinski M, Graepel T, Kohli P, Stillwell D. Personality and patterns of Facebook usage. *Proceedings of the 4th Annual ACM Web Science Conference*; 2012: ACM.
28. Pfeifer JH, Iacoboni M, Mazziotta JC, Dapretto M. Mirroring others' emotions relates to empathy and interpersonal competence in children. *Neuroimage* 2008;39(4):2076-85.
29. Mohammadpour M, Hashemi Nosratabad T, Kalantari S. The role of personality traits in distinguishing virtual social networks users and non-users. *New Media Studies* 2016;2(7):61-83. [Text in Persian]
30. Saffarinia M, Tadriz Tabrizi M, Mohtashami T, Hassanzadeh P. The Effect of prosocial personality and narcissism on social well-being of the residents in Tehran city. *Knowledge and Research in Applied Psychology* 2017;15(57):36-45. [Text in Persian]
31. Zeini Hasanvand N, Javanmard K, Goodarzi M. Validation of the narcissistic personality inventory-40. *Journal of Psychology* 2015, 19(1): 102-118. [Text in Persian]
32. Ghoreyshi Rad F. Validation and factor analysis of persian version of the narcissistic personality inventory in non-clinical population. *Journal of Mazandaran University of Medical Sciences* 2015;25(124):84-93. eng. [Text in Persian]
33. Totan T, Dogan T, Sapmaz F. The toronto empathy questionnaire: Evaluation of psychometric properties among turkish university students. *Eurasian Journal of Educational Research* 2012;46:179-98.
34. Spreng RN, McKinnon MC, Mar RA, Levine B. The toronto empathy questionnaire: Scale development and initial validation of a factor-analytic solution to multiple empathy measures. *J Pers Assess* 2009;91(1):62-71.
35. Youssef FF, Nunes P, Sa B, Williams S. An exploration of changes in cognitive and emotional empathy among medical students in the Caribbean. *Int J Med Educ* 2014;5:185.
36. Jalalinezhad R, Yazdkhasti F, Abedi A. Validity, reliability, and factor structure of carver, scheier and weintraub's coping operations preference enquiry (COPE) in university of isfahan students. *Research in Cognitive and Behavioral Sciences* 2013;3(2):41-54. [Text in Persian]
37. Shokri O, Taghiloo S, Gravand F, Payizi M, Molayi M, Azad Abdollahpoor M, Akbari H. Factor structure and psychometric properties of the persian version of persian questionnaire on coping with stressful situations. *Advances in Cognitive Science* 2009; 10(3): 22-33. [Text in Persian]
38. Ghoreyshi Rad F. Validation of endler and parker coping scale of stressful situations. *Journal of Behavioral Sciences* 2010; 4(1): 1-7. [Text in Persian]
39. Kring AM, Johnson SL, Davison GC, Neale JM. *Abnormal psychology*. 10th ed. New York; Wiley and Sons, 2007

The Relationship Between Narcissism with Empathy and Coping Styles in Facebook Members and Non-Members

*Roshandel RadR M (MA)¹-HakimjavadiM (PhD)²-Golamali LavasaniM(PhD)³-Shokrgozar S (MD)⁴-Seyyed NooriSZ (PhD Stu)²-Ahangar Ghorbani Z (PhD Stu)⁵

*Corresponding Address: Department of psychiatry, Shafa Hospital, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran.

Email: ansar_moiien@yahoo.com

Received: 15/May/2018 Revised: 01/Jan/2019 Accepted: 23/Feb/2019

Abstract

Introduction: According to the extensive use of virtual networks among students, coping styles and personality factors can affect in how to use such tools.

Objective: The purpose of this study was to examine the relationship between narcissism with Empathy and Coping styles in Facebook members and non-members.

Materials and Methods: The research design is correlational type, the statistical population included all students of Guilan university of whom 300 students were selected by randomized multistage cluster sampling method and they responded Narcissism (Raskin & Terry, 1988), Empathy (Spreng et al, 2009) and Coping styles (Endler and Parker, 1990) scales.

Results: The findings of independent T showed no significant difference between the average of the two groups of girls and boys in scale of empathy ($p=0.584$) and emotion-focused coping styles ($p=0.513$). But there was a significant difference in the Narcissistic Personality Inventory ($p=0.004$) and problem-focused coping styles ($p=0.002$) between boys and girls ($P<0/01$). Correlation Analysis showed that the highest correlation among variables, include problem-oriented and empathy variables ($r=0.31$), followed by Narcissism and join Facebook ($r=0.29$), Narcissism and gender ($r=0.17$), Problem-focused coping and gender ($r=0.17$), and empathy and Narcissism ($r= -0.14$). Regression analysis also showed that with 5 Predictive ($P<0/01$) can predict 15% of changes.

Conclusion: The results showed that there were no significant differences in measures of empathy and coping styles between the two groups. But a significant difference was observed in the Narcissistic Personality Inventory, so that people join Facebook reported to be more narcissistic than non-members.

Conflict of interest: non declared

Key words: Empathy\ Narcissism

Journal of Guilan University of Medical Sciences, No: 109, Pages: 13-22

Please cite this article as: Roshandel RadR M, Hakimjavadi M, Golamali Lavasani M, Shokrgozar S, Seyyed NooriSZ, Ahangar Ghorbani Z. The Relationship Between Narcissism with Empathy and Coping Styles in Facebook Members and Non-Members. J of Guilan University of Med Sci 2019; 28(109):13-22. [Text in Persian]

1. Department of psychiatry, Shafa Hospital, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran.

2. Department of Psychology, University of Guilan, Rasht, Iran.

3. Department of Psychology, University of Tehran, Tehran, Iran.

4. Kavosh Cognitive Behavior Sciences and Addiction Research Center, Department of Psychiatry, School of Medicine, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran.

5. Department of Psychology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.